

حسن دانایی فرد دیپلمات پیشین در گفت‌وگو با «ایران»:

انتخابات از انگاره‌های قدرت ملی ایران است

دوم اسفند بیش از داخل برای خارج پیام و برد سیاسی دارد

احسان بدایعی
خبرنگار

دولت‌های خارجی چه تحلیل و تفسیری از میزان مشارکت مردم در انتخابات پیش رو خواهند داشت؟ چه تأثیری دارد. اساساً ارتباط انتخابات با مقوله دیپلماسی و مناسبات بین‌الملل چگونه تعریف می‌شود؟ اینها سوالاتی محوری است که به مناسبت انتخابات پیش روی مجلس در دوم اسفندماه با حسن دانایی فرد از دیپلمات‌های با سابقه وزارت خارجه و سفیر پیشین ایران در عراق در میان گذاشته‌ایم. او تأکید دارد که انتخابات یکی از انگاره‌های مهم قدرت ملی ایران است و پیام‌های آن برای خارج از کشور بیشتر از داخل ایران است.

■ در آستانه برگزاری انتخابات دوم اسفند یک سؤال مهم این است که شکل و محتوای نهاد انتخابات در جمهوری اسلامی ایران، فارغ از نتیجه آن چقدر می‌تواند در موضع و موقعیت فرامرزی ایران تأثیر بگذارد؟ علی‌الاصول اگر بحث ایران را هم کنار بگذاریم، در دنیا چه نسبتی بین نهاد انتخابات و موقعیت بین‌المللی کشورها وجود دارد؟

من باید از زاویه دیگری جواب پرسش را بدهم. اخیراً مقام معظم رهبری در دیدار روز ۹ بهمن‌ماه با فرماندهان نیروی هوایی ارتش فرمودند که ما بایستی قدرتمند شویم و قدرت کسب کنیم تا دشمنان به ما هجوم نکنند. این را اگر بخوایم به معنای رسمی و کلاسیک بیان کنیم در مفهوم راهبردی بازدارندگی جامی گیرد. یعنی به عنوان راهبردی و استراتژی بازدارندگی است که اگر ما هر چه قوی‌تر شویم، نه برای هجوم بلکه برای دفاع و مقابله با هجوم دیگران، احتمال اقدام دشمنان علیه خود را کمتر خواهیم کرد. این به معنای اعمال اقتدار در حوزه تقابل‌هایی است که یک کشور می‌تواند در پیش رو داشته باشد. چون مهم فقط داشتن قدرت نیست بلکه مؤلفه تأثیرگذار دیگر هم در اختیار داشتن امکان اعمال اقتدار است. به عنوان مثال جمهوری اسلامی ایران در موضوع عین‌الاسد اعمال اقتدار کرد. شاید خیلی از کشورها امکانات و تجهیزات چنین حمله‌ای را نداشته باشند اما امکان عملی تحقق آن را ندارند و در موقعیت انجامش نیستند. این موقعیت فارغ از بحث سخت‌افزارها همان اقتدار است. یعنی کشوری هم تجهیزات و امکاناتش را دارد و هم اقتدار بگیرد یا آنها را. کشوری که امکاناتی را نداشته اما نتواند آنها را در زمان و مکان مناسب خود به کار بگیرد در واقع امکان اعمال اقتدار ندارد. اما این اعمال اقتدار انگاره‌های متعددی دارد. انگاره‌های سخت و نرم؛ انگاره‌های سخت خیلی عیان و مشخص هستند و همه‌ی می‌داند چه چیزهایی هستند. تجهیزات

همین ترکیب هم توانسته هژمونی و اتوریته آمریکا را هم به چالش بکشد. انتخابات یکی از همان چیزهایی است که می‌تواند از این زاویه به آمریکا در مقام دشمن ما، پاسخ محکم و دندان شکنی بدهد. در واقع می‌تواند بگوید ما نظامی داریم با این عناصر قدرت که یکی از اصلی‌ترین آنها مردم و حضور مردم در پرای صندوق‌های رای است؛ البته اتفاقاتی مثل تشییع جنازه سردار شهید سلیمانی هم خارج از چارچوب سنتی صندوق رای خودش نوعی رفتارندوم بود که پیامش را به جهان رساند.

■ مسأله قوی‌شدن، طبق گفته شما منوط به تحقق منظومه و مجموعه‌ای از شرایط و عملکردهاست. نهاد انتخابات و فرآیند مشارکت عمومی در تعیین سرنوشت بر اساس رای، گجای این منظومه است؟ تأثیر ارتباطش با بخش‌های دیگر این منظومه چیست؟

اتفاقات انتخابات یکی از موضوعاتی است که با مهمترین بخش قدرت و اساسی‌ترین آن که مردم باشند ارتباط دارد. اگر نظام مانتکی برآرای مردم و مشروعیت عمومی نبود مطمئن باشید نظامی که از سال ۵۷ تاکنون به طور متوسط هر ساله یک انتخابات را تجربه کرده در جهان به عنوان یک کشور دموکراتیک با پشتوانه مردمی شناخته می‌شود که البته این دموکراسی با شرایط و تعریف خاص خود نظام جمهوری اسلامی است و نه آن تعریف نرمال و معمولی که در دنیا و غرب رایج است. کما اینکه به دلیل همین تفاوت امروز این نظام به عنوان یک الگو در مراکز مورد بحث و گفت‌وگو است و توانسته اثر خودش را در مراکز علمی و دانشگاهی واز همه مهم‌تر مراکز سیاسی بگذارد. یکی از نمودها و عینیت‌های این وضعیت در موضوع انتخابات و نهاد انتخابات متبلور شده است. لذا اگر ما از این منظرنگاه کنیم، انتخابات یکی از انگاره‌های قدرت ملی ما خواهد بود. نکته دوم این است که امروز امریکایی‌ها آن طوره که خودشان اعتراف کرده‌اند سه قدرت را در مقابل خودشان می‌بینند: روسیه، چین و ایران. من کاری ندارم که از چه منظر بی‌روسیه و چین نگاه می‌کنند. اما آن کشور که به ایران و نظام جمهوری اسلامی نگاه می‌کنند نه از منظر اقتصادی و نظامی بلکه از منظر فرهنگی است؛ یعنی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نماد و نمایه فرهنگی است که مقابل اینها عرض اندام کرده و توانسته مخاطبین قابل توجهی را در منطقه و دنیا به خود جلب کند. با

“

آن حماسه تشییع جنازه سردار شهید سلیمانی بود که برخلاف همه تصوراتی که غربی‌ها ساخته بودند مردم به صحنه آمدند و یکصدا فریاد زدند انتقام، نه با یک حالت احساسی بلکه با یک انتخاب؛ لذا رکن رکن این نظام مردم هستند و این مردم حقوق مسلم شان انتخابات و انتخاب کردن است و هر چه امکان حضور آنها بیشتر باشد مطمئن باشید اثرش در تحولات آتی و نفع ایران و قلوب حامیانش بیشتر و بیشتر خواهد بود.

■ به عنوان کسی که در جریان تحولات و رویدادهای سیاست خارجی به طور مستمر هستید و از جزئیات آن اطلاع دارید، نسبت بندی بین نهاد انتخابات در کشور ما و تحولات خارجی چگونه است؟ در واقع سیاست خارجی ما بدون در نظر گرفتن تأثیر نهاد انتخابات امروزی می‌توانست چه سرشکلی داشته باشد؟

مایک‌نگاه از درون به خودمان داریم و یک‌نگاه هم از بیرون به نظام جمهوری اسلامی می‌شود. وقتی ما از بیرون نگاه می‌کنیم این مجموعه را اگر یک شکل گروی در نظر بگیریم، تمام محیط آفریننده و صحنه را به نفع مواضع نظام نگاه داشتند. دشمن ما از سال‌های قبل برای سال ۹۸ برنامه جدی داشت که مقدمات آن را هم در سال‌های ۹۶ و ۹۷ به روی صحنه آورده بود. در نهایت هم دست به اقدام زدند اما اگر عنصر مؤثر مردم در این صحنه حضور نداشت روند اتفاقات به سمتی می‌رفت که پیامش برای دنیا ضعف ایران می‌بود؛ در حالی که دیدیم اتفاقات پشت این تحولات با به حضور مردم رخ می‌داد مدام پیام اقتدار را برای دنیا می‌فرستاد. نمونه واضح



تسنیم

سراغ تاکتیک‌های دیگر نمی‌رود؟

به دلیل اینکه می‌داند اصل ماجرا اینجاست. یعنی این موضوع را شرط لازم برای تحقق اهداف و برنامه‌هایش می‌داند و اینقدر درک دارد که بداند اگر درباره مشروعیت نهاد انتخابات و مشارکت عمومی نتواند کاری کند، اهرم‌های دیگری بلائذ خواهند بود. درست است که مثلاً اهرم‌های اقتصادی و فشار تحریم‌ها به هر حال برای کشور زحمت ایجاد کرده‌اند اما هدف دشمن را محقق نکرده‌اند. توجه داشته باشیم که هدف دشمن سرنگون کردن نظام و زمینگیری کردن ایران است نه ایجاد زحمت. نکته دیگر اینکه دقیقاً همین موضوع است که تعریف و فلسفه غرب و آمریکا از یک نظام مردمسالار را به چالش کشیده است. آنها می‌گویند دموکراسی و مردمسالاری تنها در چارچوبی محقق می‌شود که ما تبیین کرده‌ایم و این ربطی به دین و شریعت و الهیات هم ندارد، نظام جمهوری اسلامی و نهاد انتخابات آن درست نقیض عملی همین ادعا هستند و بنابراین طبیعی است که غرب با سیستمی که در مقام عمل، فلسفه سیاسی‌اش را به چالش کشیده مقابلہ کند و در این مقابلہ هم سراغ نقطه مرکزی این الفالشی یعنی همان نهاد انتخابات برود. در واقع چالش اصلی ما با نظام سلطه نه چالش سیاسی و اقتصادی و نظامی بلکه یک چالش فلسفی و مفهومی است و طبیعی است که غرب هم این را دریافته و نمی‌تواند از مزایع به سر اصل چالش چشم پوشی کند و ما می‌بینیم که به رغم اینکه مردم ما هر سال نشان می‌دهند که بر همان عهد پیشین خود هستند، اینها هم همچنان در زمینی که بارها شکست خورده‌اند در حال انجام تلاش هستند.

امروز اگر این

حضور مردم

نبود مطمئن

باشید بعد از

حادثه عین‌الاسد

امریکایی‌ها تلاش

می‌کردند اقداماتی

متقابل انجام

دهند. بر همین

اساس در این

شرایط انتخابات

دوم اسفند بیشتر

از آنکه برای

داخل پیام داشته

باشد برای خارج

از مرزها دارای

پیام و برد سیاسی

است و از همین

رو باید آن را جدی

بگیریم و به آن

بپردازیم

“

کاهش مشارکت

الزاماً به معنای

ضعف حاکمیت

نیست، چون رفتار

انتخاباتی، معنایی

دارد، یعنی رفتار

انتخاباتی بیشتر

از آنکه معطوف

به خود حاکمیت

باشد، معطوف

به جناح حاکم

یا جریان‌های

سیاسی است،

بنابراین کاهش یا

افزایش مشارکت

می‌تواند ناشی از

کاهش یا افزایش

رضایت از جریان

مستقر یا ضعف

عملکرد آن باشد

است. جدای از اینکه مردم از طریق رجوع به نهاد انتخابات نظرات خود را در تصمیم‌گیری‌های عالی حاکمیت دخیل می‌کنند. وقتی این حضور تقریباً هر ساله تکرار می‌شود و استمرار دارد یعنی اینکه مردم نهاد انتخابات را یک نهاد مؤثر و رای خود را یک رای مؤثر می‌دانند و به نتیجه‌کاری که انجام می‌دهند نیز اعتماد دارند. این یک امید مضاعفی به دوستان ما می‌دهد و یک افسردگی برای دشمنان ما ایجاد می‌کند. امروز اگر این حضور مردم نبود مطمئن باشید بعد از حادثه عین‌الاسد امریکایی‌ها تلاش می‌کردند اقداماتی متقابل را انجام دهند. اما اینکه وارد فاز بازی با واژگان شدند و کاری هم بیشتر از آن نتوانستند انجام دهند نشان می‌دهد که قدرت و تأثیر مردم را به عنوان عامل اقتدار نظام می‌دانند. بر همین اساس در این شرایط انتخابات دوم اسفند بیشتر از آنکه برای داخل پیام داشته باشد برای خارج از مرزها دارای پیام و برد سیاسی است و از همین رو باید آن را جدی بگیریم و به آن بپردازیم.

■ شمار دصحنه‌های خود دو نکته را مورد توجه قرار دادید: یکی تلاش خارجی‌ها برای پایین آوردن مشارکت انتخاباتی در ایران و دیگری استمرار مداوم حضور مردم در پای صندوق رای. سؤال این است که چرا به رغم این استمرار حضور، جبهه مقابل ما دست از تلاش خود بر نمی‌دارد و



مریم سالاری
خبرنگار دیپلماتی

رحمان قهرمانپور؛ کارشناس مسائل استراتژیک از ارتباط مشارکت انتخاباتی با قدرت ملی می‌گوید

جابه‌جایی مسالمت‌آمیز قدرت از نشانه‌های ثبات سیاسی است

در درون دارای یک ویژگی هستند که بر اساس آن نمی‌توانند به وعده‌هایی که به‌برهان سیاسی می‌دهند، جامه عمل بپوشانند.

■ باتوجه به شرایط کنونی و در آستانه انتخابات، فضای مشارکت مردمی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ برخی معتقدند عدم مشارکت گسترده در انتخابات باعث می‌شود مطالبه مردم در عرصه‌های مختلفی چون سیاست خارجی و پیگیری یک رویکرد مشخص نادیده گرفته شود، نظر شما چیست؟

اگر بخوایم مشخصاً درباره ایران صحبت کنیم، باید بگویم به هر حال نظام‌های مردمسالار و دموکراسی یک نوع انتخابات دارند. فراموش نکنیم انتخابات یکی از ارکان دموکراسی است ولی در عین حال کل دموکراسی نیست؛ به عبارت ساده‌تر وجود انتخابات برای دموکراسی حیاتی است. هیچ نظام دموکراسی‌ای وجود ندارد که در آن انتخابات نباشد اما از طرف دیگر نظام دموکراسی قابل تقلیل به انتخابات نیست در واقع رای دادن بخشی از یک فرآیند بزرگ‌تر است به نام مشارکت سیاسی. اگر مشارکت سیاسی نداشته و مشارکت معنادار مردم در سیاست نداشته باشیم فقط هر چهار سال بخوایم مردم رایای صندوق بیاورید خیلی نمی‌تواند تأثیرگذار باشد چون هر ۴ سال یک بار یک جریانی می‌آید و مردم رای می‌دهند و می‌گویند خب ما کارمان را انجام دادیم.

در واقع مسأله اصلی مشارکت است یعنی آنچه که به لحاظ سیاسی در نظام‌های دموکراتیک اثر بخش است و می‌تواند روند‌ها و شرایط کشور را تحت تأثیر قرار دهد مشارکت مردم در سیاست است که بخشی از آن می‌شود رای دادن و بخشی

سیاسی‌شان خیلی سریع محقق شود.

این در حالی است که ظرفیت همه کشورها محدود است و به ندرت اتفاق می‌افتد که سیاستمداران بتوانند همه وعده‌های خود عمل کنند. وقتی این اتفاق می‌افتد به صورت طبیعی نوعی دلسردی در نظام انتخاباتی به وجود می‌آید که این دلسردی زمانی خود را به شکل رای دادن به یک نامزد نامتعارف مانند ترامپ در آمریکا نشان می‌دهد یا مثلاً در انگلیس به حزب محافظه‌کاران رای می‌دهند این یک شکل بیان اعتراضی است یعنی از طریق رای دادن به حزب مقابل به حزب خود اعلام می‌کنند از عملکرد حزب خود ناراضی هستند.

شکل دوم ابراز یا اعلام اعتراض رای ندادن است که معمولاً به شکل کاهش مشارکت محسوس در انتخابات خود را نشان می‌دهد این دو شکل در کشورهای مختلف و تحت شرایط آن کشورها خود را نشان می‌دهد ولی در کل ما به این پدیده می‌گوییم پدیده بحران در نظام‌های دموکراتیک و عملکرد آنها. حال باید دید قصور این وضعیت به دلیل نظام انتخاباتی است یا رهبرانی که وعده می‌دهند یا خود دموکراسی‌ها

■ میزان مشارکت مردم در صحنه سیاست و حمایت از نظام در برهه‌هایی چون انتخاباتی بازنایب پیدا می‌کند و می‌تواند عامل مهمی برای مشروعیت بخشی به حاکمیت و سیاست‌هایشان باشد. ارزیابی شما از جایگاه مردم در تولید قدرت ملی چیست؟

در سیاست و اقتصاد بین‌الملل وجود نظام انتخاباتی و جابه‌جایی مسالمت‌آمیز قدرت یکی از نشانه‌های وجود ثبات سیاسی در آن کشور است و در هر کشوری که ثبات سیاسی وجود داشته باشد، قاعداً جذب سرمایه‌گذاری راحت‌تر است و تعاملات آن کشور با سایر کشورها آسان‌تر انجام می‌شود. البته ما الان در بسیاری از دموکراسی‌های دنیا پدیده‌ای مواجه هستیم که برخی آن را بحران دموکراسی می‌خوانند و آن را دلسرد شدن مردم از کارکردهای دموکراسی می‌دانند به این معنا که در سال‌های اخیر در خیلی از دموکراسی‌های دنیا دلسردی مردم باعث شده نرخ مشارکت کمتر شود. این یک مسأله فراگیر است. دموکراسی‌ها مانند هر نظام سیاسی دیگری دارای مزایا و معایبی هستند به این معنا که مردمی که در انتخابات شرکت می‌کنند، انتظار دارند و وعده‌های